

آسیب‌شناسی نقش الگویی رهبران جامعه در تداوم انقلاب اسلامی ایران

علی‌اکبر شلیسته‌نژاد*

چکیده

به دلیل ارتباط عمیق مردم با رهبران خود در جمهوری اسلامی ایران، الگوپذیری مردم از رهبران جامعه به ویژه رهبران دینی، زمینه‌ساز بسیار خوبی برای پیروزی و حفظ انقلاب اسلامی ایران بوده است. استمرار این نقش ارزشمند، نیازمند مراقبت جدی و عمیق از ابتلای به آسیب‌هاست.

نگارنده پس از تبیین مفهوم الگو و اهمیت نقش الگویی از نظر قرآن و پیشوایان دین، به آسیب‌شناسی آن پرداخته و اموری چون نیازدگی، چندگلدگی الگوها، نفوذ فرصت‌طلبان، سازش‌گرایی، عوام‌فریبی و عدم شناخت زمان را از عوامل تخریب الگوها خوانده و برای حل این مشکل، باور منزلت الگو بودن، حفظ ارتباط با مردم، باور خردورزی مردم و برخورد قاطع با عوامل مزاحم را مهم خوانده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، مفهوم الگو، اهمیت نقش الگویی، نقش الگویی رهبران، آسیب‌شناسی الگوها

asm2us@yahoo.com

تاریخ پذیرش: 90/6/10

*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید رجایی.

تاریخ دریافت: 90/4/20

مقدمه

در حکومت‌های استبدادی رابطه حاکم با مردم بریده است و قرآن کریم از فاصله عمیق حاکمان سلطه، مانند فرعون و نمرود با مردم سخن گفته است. حاکمان مستبد، از مردم هراس بودند و سدهای پولادینی بین خود و مردم می‌کشیدند. درحالی‌که با وجود حصار شدید امنیتی که بر گرد ائمه کشیده شده بود، هرگز رابطه خود را با مردم قطع نکردند.

تلاش مذبحخانه غلات برای برکشیدن جایگاه امام، به حد اولوهیت و دور از دسترس جلوه‌دادن آنان نیز، با عکس‌العمل شدید و اعلام تنفر ائمه علیهم‌السلام دفع شد. پیشوایان دین، لازمه ایفای نقش لگویی خود را در برخورداری از ارتباط ناگسستنی با مردم و حضور در عینیت جامعه می‌دانستند. (صفری روشانی، 1378: 161 - 151)

حتی در دوران غیبت امام عصر علیه‌السلام نیز ارتباط با آن بزرگوار، لمری محال و دست‌نیافتنی نیست. چنان‌که عده‌ای از سالکان طریقت به آن دست یافته‌اند. (دوانی، 1354: 944 -

934)

به توصیه پیشوایان دین، مبنی بر فراخواندن مردم به دین با عمل و نه صرف گفتار،^۱ علمای راستین با پیوند عمیق خود با مردم، نقش برجسته‌ای در ارشاد آنان دل‌نشینانه رهبران دینی به دلیل شخصیت اثرگذار و سازنده خود، پیوسته علقه‌مند بودند تا در جمع مردم عطف‌افشانی کنند و رایحه دل‌آویز علم و عمل خویش را به مشام جویندگان حقیقت برسانند. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی ایران، تقویت ارتباط نزدیک و صمیمانه مردم با رهبران جامعه است. از آنجا که نقش لگویی رهبران جامعه، جز با حضور عینی در جامعه آشکار نمی‌شود، دست‌های پیدا و نهان استکبار تلاش فراوانی کردند تا این پیوند را قطع کنند.

در آغاز انقلاب، گروه‌های تروریستی فرقان، مجاهدین خلق و ... عده‌ای از نخبگان صاحب‌اندیشه و مدیریت را به شهادت رساندند. گرچه این حوادث تلخ موجب شد تا حدودی رهبران

1. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مردم را به‌غیر زبان (یعنی با رفتار و کردار) خود به خیر و نیکوکاری دعوت کنید، مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند». (کلینی، 1365: 2 /

جامعه از مردم فاصله بگیرند، لذا ارتباط فکری و پیوند قلبی آنان با مردم همچنان استوار است. نقش الگویی رهبران جمهوری اسلامی، منحصر به داخل ایران نیست، بلکه به دلیل شرایط ویژه و موقعیت برجسته ایران، همه افراد آزاده جهان، چشم به رفتار رهبران ایران دوخته‌اند. این امر اهمیت نقش الگویی آنان را چند برابر می‌کند. از آنجا که خطمشی الگوهای کشور، برگرفته از رهنمودهای قرآن و پیشوایان دین است، نگارنده با بررسی نقش الگویی رهبران جامعه در قرآن و روایات، به برخی آسیب‌های آن اشاره و راهکارهایی نیز ارائه کرده است. این مقاله به روش پژوهشی - تحلیلی به موضوع پرداخته و اطلاعات لازم را به شیوه کتابخانه‌ای از منابع مختلف جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل کرده است. پرسش اصلی تحقیق این است که «چه آفت‌هایی نقش الگویی رهبران جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند؟»

مفهوم الگو

اسوه، به معنای پیروی انسان از غیر، در کار خوب یا کار بد است. (راغب، 1412: 76) «اسوه»، «قدوه»، «لگو» بمعنی طرح مدل، نمونه و ... آمده و غالباً ناظر به الگوهای انسانی است و درباره تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان و مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد. (مهدی‌زاده، 1385: 11؛ معین، 1375: 1 / 1063) در علوم اجتماعی، الگوها، شیوه‌های زندگی نشئت گرفته از فرهنگ است که افراد به‌طور طبیعی با آنها سروکار دارند و اعمال خود را با این الگوها تطبیق می‌دهند. (قائمی‌مقدم، 1389: 26؛ موسوی کلشمی، 1379: 150) مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را در معرض دید مرتب قرار دهد. (باقری، 1388: 1 / 143) تأثیر رفتار لگو بر مرتبی، بسیار بیشتر از تأثیر گفتار اوست. سعدی گوید: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». شهید مطهری می‌نویسد:

ما بیش از اندازه از این گوش و زبان بیچاره انتظار داریم. بیشتر اوقات، بیدار عمل و چشم استفاده کنیم؛ یعنی خوب رفتار کنیم تا آنها با چشم خودشان ببینند. یک مقدار هم به این گوش و زبان بیچاره استراحت بدهیم. (مطهری، 1360: 20 /

از این رو، نقش الگویی رهبران ایران، به ویژه روحانیان، برای هدایت مردم به اخلاق و معنویت از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اهمیت نقش الگویی از نظر پیشوایان دین

انتظار مردم از رهبران خود در جمهوری اسلامی ایران، تأسی به رهنمودهای پیشوایان دین و انعکاس آن در رفتار خویش است. بنابراین، نگاهی کوتاه بر تعالیم آنان، ضروری است. قرآن کریم، علاوه بر معرفی الگوهای راستین (انبیاء / 83؛ تحریم / 11 و ...) و برخی اسوه‌های دروغین (تحریم / 10)، توصیه به پرهیز از تقلید کورکورانه (زخرف / 23 و 24) و بصیرت در انتخاب الگو (انعام / 90)، حضرت ابراهیم علیه السلام را الگوی پیروان آیین حنیف و پدر ادیان توحیدی معرفی کرده است: «برای شما در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشق خوبی وجود داشت»؛ (ممتحنه / 4) زیرا آنان در اعتقاد توحیدی خود پایداری کردند و همه مشکلات را به جان و دل خریدند.

یکی از رهاوردهای تربیتی نماز، الگوسازی و جستجوی مصداق‌های نعمت‌داده‌شدگان است (حمد / 7) که قرآن کریم آنان را در چهره پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران معرفی کرده است. (نساء / 69) در تشهد نماز نیز عبارت «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، نقش‌پذیری از نیکوکاران و حرکت در مسیر عبودیت را تلقین می‌کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، انسان کامل و نمونه والای عرفان، زهد، عشق، تقوا و شجاعت و برترین و شایسته‌ترین نمونه رهبری، پدری، همسری، دوستی و انسانی برای هر مسلمان است. قرآن کریم فرمود:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (احزاب / 21)
مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود.

«علامه طباطبایی» در کتاب خود «المیزان» نوشته است:

اسوه در مورد رسول خدا ﷺ، پیروی از او و وظیفه‌ای ثلث است و همیشه باید به گفتار و کردار آن جناب تأسی کرد و همانند او مشقت‌های جهاد در راه خدا را تحمل کرد. (طباطبایی، 1374: 16 / 432)

تفسیر «الکشاف» در معنای «اسوه» دو احتمال ذکر کرده است:

اول، خود رسول خدا ﷺ فی‌نفسه اسوه حسنه و مقتدی به است؛ دوم، در وجود رسول خدا ﷺ خصلتی هست که جا دارد مردم در آن صفت، به آن حضرت اقتدا کنند. (زمخشری، 1407: 3 / 531)

این دو احتمال منافاتی با هم ندارند. امام علی ﷺ، رفتار خود را برگرفته از سیره حضرت محمد ﷺ دانسته است (سید رضی، بی‌تا: خ 192 / 300) و فرمود: «إِنِّي حَامِلُكُمْ عَلَىٰ مَنْهَجِ نَبِيِّكُمْ؛ من شما را به سیره پیامبرتان راهنمایی می‌کنم» (طبرسی، 1403: 168 / 1) و «مَا أَعْظَمَ فَوْزٌ مَّنِ اقْتَفَىٰ أَثَرَ النَّبِيِّينَ؛ چه سعادت بزرگی است که انسان از روش پیامبران، پیروی کند». (تمیمی، 1366: 110) ایشان خود را نیز لگو و نمونه رستین تربیت الهی معرفی کرده و فرموده است:

و با خوی خود، شما را نشان دادم که اخلاق گزیده چیست. پس در آنچه دیده ژرفای آن را نتواند دید و اندیشه به کنه آن نتواند رسید، رأی خود را به کالر میندید. (شهیدی، 1377: 86)

بدیهی است که هرچه لگو نزد مردم، از محبوبیت بیشتری برخوردار باشد، تأثیرپذیری دیگران از او بیشتر است. علاقه شدید مؤمنان به خداوند (بقره / 165) موجب می‌شود با نهایت دقت، از شیوه رفتار و کردار رسول گرامی اسلام ﷺ که محبوب خداوند و مورد علاقه مردم است، پیروی کنند.

نقش الگویی رهبران ایران

در جمهوری اسلامی ایران، نقش الگویی رهبران، بسیار برجسته و حائز اهمیت است. در مثل آمده است: «النَّاسُ عَلَي دِينِ مُلُوكِهِمْ». (اربابی، 1381: 2/ 21)

در منطق تربیتی اسلام، رابطه تربیت‌پذیری افراد از الگوها، رهجویی مأموم از امام و پیروی مردم از رهبر، جریانی بادوام و طولانی است. قرآن کریم از استمرار این ارتباط تا روز قیامت سخن گفته است «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ؛ روزی که هر گروهی را با پیشوایش می‌خوانیم». (اسراء / 71)

امام علی علیه السلام فرمود:

ای مردم به خدا سوگند! من شما را به طلعتی بر نمی‌انگیزم، جز آن‌که خود پیش از شما به گزاردن آن بر می‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آن‌که خود پیش از شما آن را فرو می‌گذارم. (شهیدی، 1377: 250)

همچنین فرمود: «لغز ش‌عالم همچون شکستن کشتی است، خود غرق می‌شود و دیگران را غرق می‌کند». (مجلسی، 1404: 2 / 58)

ایشان به مربیان و رهبران جامعه توصیه می‌کند قبل از آن‌که به تربیت دیگران بپردازند، خود را تزکیه کنند و نفس خویش را از آلودگی‌ها بیالایند، تا سخنشان از حد گوش تجاوز کند و بر قلب و اندیشه متری، خوش‌آهنگ و لذت‌بخش باشد. (سید رضی، بی‌تا: حکمت 70 / 480؛ شهیدی، 1377: 371) امام خمینی ره فرمود:

در بعضی از شهرستان‌هایی که در ایام تلبستان می‌رفتیم، ... من می‌دیدم که اینها بسیلر مؤدب به آداب شرع هستند ... انسان وقتی ملاحظه می‌کرد، می‌دید که عالم خوبی آنجا بوده ... اگر در یک جمعی، در یک شهری، چند نفر ملای متوجه به دیلت، عقل و عمل به علم خودش باشد، لازم نیست موعظه کند، اصلاً خود وجود او موعظه است. (امام خمینی، 1378: 2 / 16)

خداوند عزیز، پیشوایان مردم را دوگونه خوانده است:

1. رهبران نور (انبیا / 73): رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردم را به پیروی از پیشوایان دین و علمای

راستین که برجسته‌ترین الگوهای تأثیرگذار در زندگی آنان هستند، فرا خوانده است:

إتَّبِعُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ سُرُجُ الدُّنْيَا وَمَصَابِيحُ
الْآخِرَةِ . (متقی هندی، بی‌تا: 10 / 135)

از عالمان دین پیروی کنید که آنان، هادی و راهنمای شما در دنیا و آخرتند.

2. رهبران نار (قصص / 41): شیطان سرمدار و رهبر راهیان نار است. قرآن کریم همگان را از پیروی او باز داشته (نور / 21) و هشدار داده است که پیروی از مجرمان (شعراء / 99)، گنهکاران (اعراف / 142)، نسان‌های هوس‌ران (مائده / 77) و دوستان ناصالح، زمینه‌ساز ورود نسان به عذاب الهی است. (فرقان / 28) و با ذکر سرنوشت خفتبار قوم فرعون (زخرف / 54)، اطاعت و پیروی از حاکمان فاسد را موجب تباهی و نابودی مردم خوانده است. رهبران و پیشوایان ام‌القرای اسلام، یعنی جمهوری اسلامی ایران، از طرفی زیر ذره‌بین نگاه مردم داخل و خارج هستند و از طرف دیگر، دشمن پیوسته رصد می‌کند تا از لغزش کوچک آنان کوهی بسازد و در رابطه مردم با آنان اخلال ایجاد کند. پس نوع رفتار آنان نقش مهمی در رشد، توقف و تنزل نسان‌ها دارد. آرسنگی آنان به فضایل اخلاقی یا آلودگی آنان به ردایل اخلاقی در افراد دیگر تأثیر خواهد گذاشت. از این رو، باید به شدت از منزلت خویشتن مراقبت کنند.

آسیب‌شناسی الگوها در جمهوری اسلامی ایران

«آسیب» در لغت به معنای آزار، گزند، درد، صدمه و ... آمده است. (عمید، 1354: 31) آسیب‌شناسی، شاخه‌ای از علم پزشکی است که به منشأ، ماهیت، علت و سیر بیماری‌ها می‌پردازد. آسیب‌شناسی از علم پزشکی به علوم دیگر به‌ویژه علوم انسانی و اجتماعی سرایت کرده است.

هر چیزی که ارزش بیشتری دارد، نیازمند مراقبت و توجه بیشتری است. کسانی که در مسند الگویی جامعه قرار می‌گیرند، باید به‌شدت از این جایگاه ارزشمند و موقعیت متعالی پاسداری کنند تا خنثی‌ای بر آن وارد نشود و غبار تیرگی آن را کدر نکنند. برخی از عوامل مخرب این جایگاه عبارتند از:

1. دنیازدگی

قرآن کریم از انسان‌های حقیر و تهی از کرمتی سخن گفته است که همه هم‌خویش را مصروف گردآوری ثروت بی‌حد و حصر می‌کنند و مال را عامل جاودلگی می‌پندارند. (تکواثر / 3 - 1) و کسانی را که به دلیل شدت علاقه به مال و لمور مادی، نسبت به حضور در میدان جهاد، سنگینی می‌کنند، سرزنش کرده (توبه / 38) و ترجیح لمور زندگانی را بر رضایت خداوند، نشانه تباهی و سزاوار سرزنش و ملامت شمرده (توبه / 24) و طلبستگی به دنیا را یکی از علل اساسی سقوط بلعم بعورا خوانده است. (اعراف / 176)

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «خداوند هفتاد گناه را از جاهل می‌آمرزد، قبل از آن‌که یک گناه عالم را مورد عفو قرار دهد». (ابن طاوس، 1367: 87)

امام علی علیه السلام فرمود:

به خدا از دنیای شما زری نیندوختم و از غنیمت‌های آن ذخیرت نمودم و بر جمله کهنه‌م، کهنه‌ای نیفزودم ... آیا بدین بسنده کنم که - مرا - امیرمؤمنان گویند و در ناخوشایندهای روز گل شریک آنان نباشم یا در سختی زندگی - نمونه‌ای - برایشان نشوم. (شهیدی، 1377: 317)

امام کاظم علیه السلام از پدرانش، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

فقیهان، املتدار پیلیمیرانند، تا آن زمان که در دنیا داخل نشده باشند. گفتند: ای پیامبر خدا! داخل شدن ایشان در دنیا به چیست؟ گفت: پیروی از سلطان؛ چون چنین شدند، از ایشان بر دین خود بترسید. (کلینی، 1365: 1 / 46)

طلبستگی به دنیا و افراط در بهره‌گیری از آن که اخلاص بر زمین است، ناشی از هوای نفس و از عوامل مخالف سعادت و رستگاری انسان است.¹

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

1. ترک شهوت‌ها و لذت‌ها سخاست هر که در شهوت فروشد بر نخاست (مولوی، 1378: دفتر دوم /

بپرهیز و برحذر باش - خداوند متعال در اولی و آخری یل‌ت باد - از اینکه همت خویش صرف به دست آوردن لذات شهوات حیوانی کنی که این شأن چهل‌پایان است، یا به چیرگی بر نزدیکان و هم‌مندان بپرداز - اگر چه غلبه در علوم و معارف باشد - که این منزلت درندگان است، یا هم خویش به ریلست‌های ظاهری دنیا صرف کرده، تدبیر و اندیشه را بر آن بگماری که مقام شیاطین است. (امام خمینی، 1370: 1 / 10)

نیز فرمود:

خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برق‌های شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسل‌های بعد اثر گذارد و خدای نخواستہ آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزہ‌ها بپاید. (امام خمینی، 1378: 17 / 326)

شهید مطهری می‌نویسد:

مقیاس هواپرستی او [اعلم روحانی] در جاه و مقام و میل به دست‌بوسی و شهرت و محبوبیت و علاقه به اینکه مردم دنبال سرش حرکت کنند و در مصرف بیت‌المال در راه آقایی خود و یا باز گذاشتن دست کسان و خویشان و مخصوصاً آقازادگان گرام در بیت‌المال و امثال اینه‌لست. (مطهری، 1385: 20 / 178)

مقام معظم رهبری نیز در مناسبت‌های مختلف و به‌ویژه در توصیه‌های ماه رمضان، بر پرهیز لگوه‌ای جامعه از دنیاگرایی تأکید فرمودند.

«سیدکاظم شریعتمداری» که سال‌ها یکی از مراجع مورد اعتماد مردم به شمار می‌رفت، به دلیل دلبستگی به جاه و شهرت، در برابر امام و انقلاب ایستاد و گرفتار خشم مردم شد. «شیخ علی تهرانی» از مبارزان قبل از انقلاب بود و بارها گرفتار زندان شاه شد. بعد از انقلاب، ریاست دادگاه انقلاب مشهد و مدتی هم ریاست دادگاه انقلاب اهواز را بر عهده گرفت و نماینده مجلس خبرگان شد.

وی به دلیل ضعف نفس و حسادت به مقام معظم رهبری به مخالفت با نظام پرداخت و در دوران جنگ تحمیلی به عراق پناهنده شد و در رادیو عراق با سخنرانی علیه جمهوری

اسلامی به تضعیف روحیه رزمندگان پرداخت.¹

2. چندگانگی الگوها در جمهوری اسلامی ایران

یکی از آسیب‌هایی که جمهوری اسلامی ایران را چون موربانیه از درون تهدید می‌کند، اختلاف رفتار و گفتار الگوها و اختلاف رفتار الگوها با یکدیگر است. تفاوت نوع برخورد رهبران جامعه با مسائل زندگی، موجب می‌شود مردم به دنبال روش‌های آسان‌تر بروند و از رفتارهایی که نیاز به زحمت ندارد، الگو بگیرند. از طرف دیگر، مشاهده این نوع رفتارها، از اعتماد آنان به صحت همه رفتارها می‌کاهد.

اختلاف رفتاری رهبران ایران، از آفت‌هایی است که الگوپذیری جامعه را به‌سوی سلیقه‌گرایی سوق می‌دهد. تعامل مطبوعات و رسانه‌ها با الگوها، باید بر اساس نقش آنان تعیین شود. در شرایط فعلی اگر بنا باشد جوانان ایرانی، الگوی رفتاری خود را بر اساس اهمیت و توجه رهبران جامعه به جایگاه والدین، معلم، هنرپیشه، ورزشکار، عالم دینی، پدر و مادر، نماینده مجلس، وزیر و ... انتخاب کنند، چنین ارزش‌گذاری را در اختیار ندارند. از این رو، باید به نقش الگویی دانشمندان که مورد عنایت قرآن و پیشوایان دین است، توجه بیشتری بشود. در حالی که این منزلت و جایگاه، از نگاه مدیران فرهنگی جامعه مغفول مانده است.

الگوها، آنگاه نقش مؤثری ایفا کرده، آثار برجسته و عظیمی از خود بر جای خواهند گذاشت که خرد جمعی، بهای لازم را به آن بدهد و به ارزش جایگاه و نقش آن پی ببرد. مردم، اختلاف و نزاع رهبران جامعه اسلامی را ناشی از هوای نفس و بی‌تقوایی می‌دانند. امام راحل علیه السلام فرمودند: «اگر همه انبیا علیهم السلام در اینجا جمع بشوند، اختلاف ندارند. برای آنکه، آن جهات نفسانی را ندارند.» (امام‌خمينی، 1378: 12 / 214)

بی‌آنکه برخی از تلاش‌های ارزشمند خدمتگزاران نظام را نادیده بگیریم، باید گفت: الگوی زندگی و گفتار مدیران نظام جمهوری اسلامی در دوران پس از جنگ تحمیلی، هرگز تناسبی با رهنمودهای امام علیه السلام نداشت و در آن سال‌ها فرهنگ ساده‌زیستی، ایثار و شهادت و ... رنگ باخت.

1. این مطالب نتیجه تجربه شخصی و بعبارتی تاریخ شفاهی است. گرچه در سازمان اسناد، مدارک آن موجود است.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 نیز افرادی که به جریان فتنه مشهور شدند، با ارائه لگوها و مدل‌هایی مغایر با برخی اصول انقلاب و رهنمودهای امام راحل علیه السلام، بلاوی بزرگی در کشور برپا کردند.

3. افراد فرصت‌طلب

برخورد امام علی علیه السلام با افراد فرصت‌طلب، الگوی مناسبی است تا رهبران جامعه با اقتدای به آن، خود را از سقوط حفظ کنند.¹
امام علیه السلام به مالک رضی الله عنه نوشت:

والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردن‌فرازی کردن و در معملات انصاف را کمتر به کلمه بستن. ریشه ستم اینان را با بریدن اسباب آن برآر و به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشاوندان زمینگی را به بخشش وامگذار. (شهیدی، 1377: 338)

ایشان به یکی از کارگزارانش که در اموال مردم دخل و تصرفی کرده بود، نوشت:

به‌خدا، اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی، از من روی خوش ندیدندی و به آرزویی نرسیدندی، تا آن‌که حق را از آنان بستیم و باطلی را که به ستمشان پدید شده نبود گردانیم. (همان: 314)

جریان برخورد امام با طحه و زبیر (خاموش کردن شمع بیت‌المال و فروختن شمع شخصی) و عقیل (شهیدی، 1377: 259) نیز زبانه‌زد خاص و عام است.

در جمهوری اسلامی ایران، افراد فرصت‌طلب با سوءاستفاده از علاقه و لیبستگی افراطی برخی لگوها به فرزندان، دوستان و خویشاوندان، به ترور شخصیت آنان می‌پردازند و این یکی از خطرهایی است که لگوهای فراوانی را از جایگاه خود ساقط کرده است.

1. هنگامی که امام علیه السلام باخبر شد دخترش گربندی را از مسئول بیت‌المال امانت گرفته است، هم دختر خود و هم خزانه‌دار را مورد نکوهش قرار داد. (طشاد تهرانی، 1372: 3 / 504)

فرصت‌طلب‌ها، به‌ویژه گروه منافقین خلق¹، با ترور شخص و شخصیت لگوه‌های برجسته مردم، ضربه بزرگی به کشور زدند. آنان با نفوذ در ساختارهای اصلی جامعه، 72 تن از شخصیت‌های برجسته، از جمله شهید بهشتی را با بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی، و رجایی و باهنر را در دفتر ریاست جمهوری به شهادت رساندند. همچنین با اعمال نفوذ در بنی‌صدر و بسیاری از شخصیت‌های دیگر، آنان را از مردم جدا کردند و در سال‌های دفاع مقدس، مقابل مردم قرار گرفتند و سودای فتح تهران را داشتند که با عنایت خداوند در عملیات مرصاد، مفتضح شدند و هنوز سر در آخور بیگانه دارند و به جنایت‌های خود ادامه می‌دهند.

با وجود هشدارهای فراوانی که امام علیه السلام در موقعیت‌های مختلف درباره گروهک‌ها دادند، برخی لگوها بر اثر نفوذ فرصت‌طلبان، ترور شخصیت شدند. مانند:

1. سیدحسین لاهوتی: وی از علمای مبارز قبل از انقلاب بود و در آغاز انقلاب علاوه بر عضویت در مجلس خبرگان، نمایندگی امام خمینی علیه السلام را در سپاه پاسداران بر عهده داشت. وی به دلیل تأثیرپذیری از فرزندش وحید که عضو منافقان بود (کلاچیان، 1382: 146، 180 و 283) به حمایت از آنان پرداخت و از سهمیه خمس و ... به آنان مساعدت مالی کرد و سرانجام به صورت مرموزی وفات یافت.

2. علی گل‌زاده غفوری: یکی از افراد خوش‌فکر و صاحب‌نظر قبل از انقلاب بود که به دلیل همکاری دخترش مریم و دلمادش صمدی با منافقین و محکومیت آنان، به جبهه‌گیری ضد نظام پرداخت و منزوی شد و این اواخر درگذشت.

3. حضور پررنگ منافقان در بیت آیت‌الله طالقانی و مرگ مشکوک وی نیز نشان‌دهنده آثار تخریبی فرصت‌طلبان بر لگوه‌های موردعلاقه مردم است.

4. امام علیه السلام خطاب به مرحوم آیت‌الله منتظری فرمود:

همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوداید ... شما که خود را پیروان اصحاب

1. این گروه خود را مجاهدین خلق ایران می‌دانست، ولی با انجام رفتارهای ضداسلامی و انسانی، از طرف مردم لقب واقعی خود را گرفت.

وحی و اولیای عظیم‌الشان می‌دانید و بحمدالله هستید، ... با اشخاص منحرفِ نفوذی در بیوت شما، با چهره‌های صدرصد اسلامی و انقلابی، ممکن است خدای نخواستہ فاجعه به بلر آوند و با یک عمل انحرافی، نظام را به انحراف کشند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله، الله، در انتخاب اصحاب خود. (امام‌خمینی، 1378: 18 / 7)

جریان آیت‌الله منتظری را می‌توان از غم‌انگیزترین حوادث انقلاب خواند؛ زیرا ایشان به تذکرات مشفقانه امام‌مؤید توجه نکرد و بستگان او با سوء‌استفاده از محبوبیت ایشان، جنایات هولناکی به وجود آوردند. (محمدی ری‌شهری، 1369)

این حوادث هشدار است تا لگوهای جامعه، بر اطرافیان خود بیشتر نظارت کنند؛ زیرا برخی از مسئولان دفترها و تشکیلات رهبران جمهوری اسلامی ایران، با گزینش سلیقه‌ای و جلوگیری از ملاقات مردمی، سبب دلخوری و ناراحتی مردم می‌شوند. جدائیدن از مردم، یکی از بزرگ‌ترین آفتهای الگوپذیری است.

4. سازش‌کاری

رودربایستی در اجرای امر خدا و ملاحظه دوست و فرزند و خویشاوند و مرید در کارها، سَمبَل کردن و مصانعه است. قرآن کریم لغت «ادهان» را به کار برده (قلم: 9) و در عرف امروز به این کار، «مداهنه» گویند. «روغن مالی»، «شیرمالی» یا «هاستمالی» در مواردی به کار می‌رود که به‌جای اینکه کاری به‌طور جدی اجرا شود، به صورت‌سازی بدون حفظ محتوا قناعت شود. قرآن خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «کفار دوست دارند که تو اهل مداهنه بودی تا آنها هم مداهنه کنند». (مطهری، 1385: 24 / 96)

امام علی علیه السلام فرمود:

لا یَقْبَلُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يَمَانِعُ وَ لَا يَضَارِعُ وَ لَا يَتَّبِعُ الْقَطَامِعَ. (سیدرضی، بی‌تا: حکمت 110 / 448)

فرمان خدا را برپا ندارد جز کسی که - در حق - مدارا نکند و خود را خوار

نسلزاد و پی طمع‌ها نتازد.

مغیره به امام علی علیه السلام گفت: ای امیر مؤمنان، تو معاویه را خوب می‌شناسی؛ کسانی که قبل از تو آمدند او را به حکومت شام منصوب کردند. تو نیز تا وقتی کارها روبه‌راه شود و امر خلافت مستقر گردد، او را به حکومت آنجا منصوب کن، سپس اگر خولستی او را عزل کن. امام فرمود: آیا تو عمر مرا در طول زمان نصب و عزل ضمانت می‌کنی؟ مغیره گفت: نه! امام فرمود: «وَ مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا؛ (کهف / 51) من هرگز گمراهان را همکار خود نمی‌گیرم. (مجلسی، 1404: 32 / 386) آنگاه که بر امام به دلیل تقسیم عادلانه بیت‌المال خرده گرفتند فرمود:

مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن در برابر آن‌که والی اویم. به‌خدا نپذیرم تا جهان سرآید و ستل‌های در آسمان پی ستل‌های برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم - که چنین تقسیم سزاست - تا چه رسد که مال، مال خدا است. بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تمیز و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرَد. او را در دیده مردمان گرمی کند و نزد خدا خوار گرداند. (شهیدی، 1377: 123)

امام علی علیه السلام به مردم فرمود:

با من همان‌طور که با دیگران حرف می‌زنید، صحبت کنید و اگر دیدید عصبانی و نل‌احت شدم، خودتان را نبزید، مردانه انتقاد خودتان را به من بگویید، از من حریم نگیرید ... گمان نکنید که اگر حقی را در مقابل من بگویید، بر من سنگین خواهد آمد. به حق از من انتقاد کنید، ابدأ بر من سنگین و دشوار نخواهد بود، باکمال خوشرویی از شما می‌پذیرم. (سیدرضی، بی‌تا: خطبه 216 / 334؛ مطهری، 1385: 23 / 445)

امام راحل رضی الله عنه نیز هرگز در انجام وظایف خویش کوتاه نیلمد و در شوارترین شرایط جامعه، در انجام تکلیف الهی خود تردید روا نداشت. ایشان در نلمه خود به آقای قدیری نوشت:

سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت‌تأثیر مقدس‌نملها و آخوندهای بی‌سواد واقع نشوید؛ چراکه اگر بنیست با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیت‌مان نزد مقدس‌نملهای احمق و آخوندهای بی‌سواد صدمه‌ای بخورد، بگذار هر چه بیشتر بخورد. (امام خمینی، 1378: 21 / 152)

آقای رسولی محلاتی به امام گفت:

اگر کلمه ما مورد رضایت شما نیست، عذر ما را بخواهید. امام فرمود: هر وقت من تشخیص بدهم وجود شما در این خلعه به‌ضرر اسلام است، عذر شما را خواهم خواست. (گلی‌وارهای، 1379: 424)

ملت ایران بارها و به‌ویژه در سال‌های اخیر، نشان دادند که با کسی پیمان برادری نبسته‌اند و هر کس قدم خود را کج بگذارد، با قهر انقلابی آنان روبه‌رو خواهد شد. رهبران جامعه برای حفظ جایگاه ارزشمند الگویی خود، هرگز نباید از ارزش‌های دینی، اخلاقی، ملی و ... کوتاه بیایند؛ زیرا این عمل موجب طمع دیگران می‌شود و آنان می‌پندارند در همه امور می‌توانند چنین کسی را با خود همراه کنند.

5. عوام‌فریبی

اسلام، دشمن جهل اعتقادی و جهالت اخلاقی - عملی است و هدف آن، تعلیم کتاب و حکمت برای جهل‌زدایی و تزکیه نفس و طهارت روح است.

رسول خدا ﷺ هرگز از نقاط ضعف و جهل مردم سوءاستفاده نمی‌کرد، بلکه با آن مبارزه می‌کرد. روزی که ابراهیم، پسر هجده‌ماهه‌اش از دنیا رفت، خورشید گرفت. مردم گفتند: علت کسوف مصیبتی است که بر پیغمبر خدا وارد شد. او سکوت نکرد، بلکه به منبر رفت و گفت: «ایها الناس! ماه و خورشید دو آیت از آیات خدا هستند و برای مردن کسی نمی‌گیرند». (مطهری، 1385: 2 / 362)

امام علی علیه السلام چون آهنگ جنگ خوارج کرد، یکی از اصحاب گفت: «ای امیر مؤمنان، از راه علم ستارگان گویم که اگر در این هنگام به‌راه آفتی، ترسم به مراد خود نرسی». امام علیه السلام به او فرمود: «پنداری تو ساعتی را نشان می‌دهی که هر که در آن به سفر رود، بدی به وی

نرسد و از ساعتی می‌ترسانی که اگر در آن، راه سفر پیش بگیرد، زبان، وی را در میان خویش گیرد؟ هرکه تو را در این سخن راستگ و پندارد، قرآن را دروغ نگارد». (شهیدی، 1377: 71)

مخالفت عملی با سحر و جادو، نحوست ایام، طالع‌بینی، تعبیر خواب‌های ناروا، عرفان‌های کاذب و ... که از آفت‌های تربیتی جامعه است و آثار شوم آن سلامت برخی خانواده‌ها را تهدید می‌کند، از وظایف مهم آگوه‌های طسوز کشور است؛ زیرا اگر موضع مربی در برابر این‌ها لمور شفاف نباشد، متربی دچار کج‌فهمی خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران، در سال‌های اخیر، شاهد رواج خرافه‌ها و پندارهای غیرمنطقی درباره موعود و ... بوده است. کسانی به دلیل ساده‌لوحی، دنیاگرایی، بازارگرایی و یا وابستگی به قدرت‌های خارجی، ادعای مشاهده امام زمان می‌کنند و با کارهای شگفت‌انگیز، افراد ساده‌دل و گرفتار را که غالباً از بانوان هستند، به خود جذب می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند:

ادعای رؤیت، ارتباط و تشریف، دستور گرفتن از حضرت حجت و اقتدای به آن حضرت در نماز، ادعایی حقیقتاً شرم‌آور و پیرایه‌های باطلی است که ممکن است حقیقت روشن انتظار را در چشم و دل انسان‌های پاک‌نهاد مشوب کند... البته ممکن است سعادت‌مندی این ظرفیت را پیدا کند که چشم دلش به نور جمال مبارک حضرت حجت روشن شود؛ اما چنین کسانی اهل ادعا و بازگو کردن این مسائل نیستند و همان‌گونه که بزرگان و برجستگان نیز چنین ادعاهایی نکرده‌اند.

6. نشناختن زمان

هر عصر و دوره‌ای نیازمند آگوهایی متناسب با آن زمانه است. اگر افراد جامعه به‌ویژه جوانان، آگوه‌های کشور را متناسب دوران خود ندانند، به آنان پشت خواهند کرد و از نقش آگویی آنان کاسته خواهد شد. بنابراین آگوها باید زمان‌شناس باشند.

پیشوایان دین علیهم‌السلام به دلیل برخورداری از دانش باطنی و مقام عصمت، آگوه‌های فرا زمانی هستند و توصیه‌های آنان از چنین ژرفایی برخوردار است. امام علی علیه‌السلام فرمود:

لَا تُقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ
لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. (ابن ابی‌الحدید، 1404: 20 / 267)
آداب و رسوم زمان خودتان را با زور و فشار به فرزندان خویش تحمیل نکنید؛
زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ (کلینی،
1365: 1 / 27)

آن‌که نسبت به زمان خود دانلست، گرفتار امور اشتباه‌انگیز و ملیه گمراهی نمی‌شود.

شیوه رویارویی امام صادق علیه السلام با سفیان ثوری یکی از نمونه‌های زمان‌شناسی است. سفیان وقتی دید امام صادق علیه السلام جامه‌ای سپید و لطیف پوشیده، به او اعتراض کرد و گفت: این جامه سزاوار تو نیست. از تو انتظار می‌رود که زهد بورزی و خود را از دنیا دور نگه داری. امام پاسخ داد: ممکن است تو وضع ساده و فقیرانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه آن حضرت را در آن زمان، پیش خود مجسم سازی و فکر کنی که تکلیف و وظیفه همه مسلمین تا روز قیامت آن است که همیشه فقیرانه زندگی کنند. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، عموم مردم از دلستن لوازم اولیه زندگی محروم بودند. ما در این عصر که وسایل زندگی و شرایط بهره‌برداری از موهبت‌های الهی فراهم است، سزاوارترین مردم برای بهره‌بردن از نعمت‌ها، افراد نیکوکار و صالحند، نه انسان‌های فاسق و بدکار. (مطهری، 1385: 18 / 218)

آشنایی با اوضاع و جریان‌های زمان و شناخت عوامل دست‌اندرکار اجتماع، امکان پیش‌بینی امور را می‌دهد و با پیش‌بینی‌ها می‌توان به مقابله با حوادث ناگوار شتافت. (همان: 24 / 279)

درک و فهم روح دین که برای هر زمان و دوره‌ای، برابر نیازهای مردم، برنامه و دستور دارد، انسان را از گرایش به پندارها، دیدگاه‌های سست و برداشت‌های نابخردانه، بازمی‌دارد. درک پیام‌های دین، بدون درک منطق و روح دین، ممکن نیست. اگر روح و منطق دین، به‌درستی و روشنی درک شود، در هر عصری پیام خود را فراروی انسان قرار می‌دهد. پس

رهبران ایران اسلامی باید زمان شناس باشند، نیازها و مشکلات مردم به‌ویژه نسل فرهیخته و جوانان را بدانند تا نقش الگویی خود را به‌خوبی ایفا کنند.

رهبر انقلاب، بارها درباره وجود پیاده‌نظام دشمن در داخل، شبیخون فرهنگی، جنگ نرم و ناتوی فرهنگی هشدار داده‌اند و این حاکی از زمان‌شناسی ایشان و هشدار برای دیگر الگوهای جامعه است. معظم‌له تأکید کردند که اگر موضع‌گیری‌های برخی افراد، ناشی از وابستگی آنان نیست، به‌طور حتم در نشناختن زمان و شرایط دشمن و ... ریشه دارد.

راه‌حل‌ها

مهم‌ترین عامل جلوگیری از تخریب نقش الگویی رهبران جامعه را خود الگوها بر عهده دارند. آنان باید به رهبران الهی اقتدا و چون آینه‌ای شفاف رفتار آنان را در وجود خود منعکس کنند تا دیگران از فضایل آنان سرمشق بگیرند و جامعه ایران بیش از گذشته نورانی شود. برخی از عوامل حفظ این جایگاه عبارتند از:

1. باور منزلت نقش الگویی

باور منزلت نقش الگویی، از مهم‌ترین عوامل حفظ آن است. بدیهی است که اگر خود الگو به اهمیت و منزلت این جایگاه واقف نباشد، بهای لازم را به آن نمی‌دهد و نمی‌تواند از دیگران انتظار نقش‌پذیری داشته باشد. ملت بزرگ ایران، به لشکال گوناگون، وفاداری و قدرشناسی خود را به الگوها نشان داده‌اند. حضور میلیونی مردم، هنگام ورود امام راحل علیه‌السلام به ایران، همچنین بدرقه پرشور آنان، یکی از نمونه‌های ماندگار تاریخ ایران و مایه عبرت همه جهانیان است. همچنین استقبال بی‌نظیر مردم از رهبر معظم انقلاب، نشان می‌دهد که برخورداری الگوها از فضایل اخلاقی، همیشه عطر افشانی می‌کند.

اوج عظمت ملت ایران در ابراز ارادت و حرف‌شنوی از الگوهای راستین، تا حدی است که امام خمینی علیه‌السلام فرمود:

من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر

از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ، و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی ؑ می‌باشند (امام خمینی، 1378: 21 / 410)

این صفت بر مسئولیت لگوها می‌افزاید. پس لگوهای کشور باید به حس قدشناسی مردم ارج بگذارند و نقش خود را به‌خوبی ایفا کنند. لازمه این باور، لغت‌های فضایل اخلاقی در خویشتن است. برترین صفتی که انسان را به اوج عزت می‌رساند، صعود به قله بندگی است و عزت و شکوه انسان در میزان محبوبیت او در نزد حضرت حق رقم می‌خورد. امام علی ؑ فرمود:

ای خدای من! همین عزت مرا بس که بنده تو هستم، و همین افتخار مرا بس که تو پروردگار منی. ای خدای من! تو همان‌گونه‌ای که من دوست دارم، پس مرا به‌گونه‌ای قرار ده که تو دوست داری. (فتال نیشلوری، بی‌تا: 1 / 109)

امام علی ؑ درباره انسان‌های پروپیشه می‌فرماید:

عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي
أَعْيُنِهِمْ فَهُمْ. (سید رضی، بی‌تا: خطبه 193 / 303)

خدا آن‌چنان در نظر آنها بزرگ است [و وجود آنان را پر کرده که جلیبی برای چیز دیگری باقی نمانده است] و غیر خدا در چشم آنان کوچک است [غیر خدا را نمی‌بینند].

و نیز فرموده است:

هرکس میان خود و خدا را اصلاح کند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و هرکس کلمه آخرت خود را اصلاح کند خدا کلمه دنیای او را اصلاح خواهد کرد. (حر علملی، 1409: 15 / 297)

انسان با خدا پیوسته ارزش‌خدایی می‌یابد و در چشم و دل مردم، بزرگ و عزیز می‌شود و این شکوه و عزت جلوه خداست که در جان عالم ربانی می‌نشیند و مردم مؤمن نور خدا را هر جا که باشد، درمی‌یابند.

امام علی ؑ به کارگزار خود، مصقله نوشت: «پس حق پروردگارت را خوار مکن و دنیای

خود را به نابودی دینت آباد مگردان که از جمله زیان کاران باشی». (شهیدی، 1377: 316)
 امام سجاد علیه السلام می فرماید:

بلر خدایا! درود بفرست بر محمد و خاندانش و هرگاه مرا در نظر مردم به
 درجتی فرا می‌بری به همان قدر در نفس خود خوارم گردان و هرگاه مرا به
 عزتی آشکار می‌نوازی به همان قدر در نفس خود ذلیل گردان. (آیتی، 1376:
 دعای 20 / 93)

این سخن نشان می‌دهد که لگوها باید منزلت خویش را بشناسند و پیوسته از خویشتن
 مراقبت کنند.

یکی از ضعفهای انسان آن است که پیوسته کارهای خود را بهترین می‌پندارد.
 قرآن کریم می‌فرماید:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ
 سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
 يُحْسِنُونَ صُنْعًا . (کهف / 103 و 104)
 بگو: «آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه گردانم؟» آنان [کسانی‌اند
 که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب
 انجام می‌دهند.

لگوهای ارزشمند ایران، خولسته و ناخولسته در معرض نگاه نافذ مردم قرار دارند. پس باید از
 نقش لگوی خود مراقبت و مواظبت کنند. آنان متعلق به همه ملت ایران، بلکه همه ملت‌های
 جهان و از سرمایه‌های معنوی و مایه عزت و سربلندی هستند، پس باید همیشه سالم بمانند.

2. حفظ ارتباط با مردم

شرط تحقق تأثیرگذاری لگوها، ارتباط آنان با مردم است. با جدایی لگوها از مردم، نقش‌پذیری
 محقق نمی‌شود. یکی از اهداف ترور لگوها، جدا کردن آنان از مردم بود. پس رهبران جامعه نباید
 اجازه دهند که چیزی بین آنان و مردم فاصله بیندازد. امام علی علیه السلام به مالک رضی الله عنه می‌فرماید:

وَ اجْعَلْ لِدَاوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ
فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ
فِيهِ لِّلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ (سید رضی، بی‌تا: نلمه 53 / 439)

و بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کـلـ
آنان فرغ دار و در مجلسی عمومی بنشین تا در آن برای خدایی که تو را آفرید
فروتنی کنی.

بدیهی است که اگر رابطه الگوها با مردم قطع شود، مکان الگوپذیری از میان خواهد
رفت و اگر مشاهده عینی سیره عملی الگوها میسر نشود، هیچ راهی برای نمایش رفتارهای
نیک و پسندیده باقی نخواهد ماند.

ارتباط مستقیم الگوها با مردم، نشانه آن است که برای مردم اعتبار و ارزش قائلند و همین
احساس روابط انسانی و عاطفی جامعه و نظام ولایی، بسیار ارزشمند است. سفر مقام معظم
رهبری به استان‌ها و ملاقات‌های ایشان با قشرهای مختلف مردم و شنیدن آرای آنان، نمونه
بسیار خوبی برای ارتباط الگوهاست. به‌یقین ارتباط با مردم، یکی از رموز برخی موفقیت‌های
دولت کنونی است.

3. باور آگاهی و خردورزی مردم

باور درک و آگاهی مردم نیز یکی از عوامل مهم حفظ جایگاه الگویی است. کسانی که برای
مردم اعتبار و ارزشی قائل نیستند و آنان را به حساب نمی‌آورند و نظر آنان را درباره خود نادیده
می‌گیرند، انگیزه‌ای برای مراقبت از نقش الگویی خود ندارند؛ درحالی که اگر مردم را به حساب
بیاورند و به منزلت و کرامت آنان گردن نهند و خود را خدمتگزار آنان بدانند و نسبت به آنان
متواضع باشند، بی‌شک از نقش الگویی خود مراقبت خواهند کرد. با چنین نگرشی حتی
مخالفان خود را نیز مهم می‌شمارند و نسبت به آنان بی‌عدالتی نمی‌کنند.

یکی از راهکارهای ستمکاری و سلطه بر مردم، سست کردن فرهنگ خردورزی و مبارزه با
نقد و انتقاد در امور اجتماعی و فرهنگی است. فرعون، راه هرگونه خردورزی و خودباوری را بر
بنی اسرائیل بست و آنان را از منزلت والا و کرامتی که در پرتو نگرش‌های توحیدی داشتند،
فرود آورد و به فرمانبرداری خود واداشت. (زخرف / 54) مهم‌ترین کار موسی علیه السلام، بالا بردن

بینش دینی و شکستن اسطوره شکست‌ناپذیری فرعونیه بود. تاریخ صدر اسلام نیز نشان می‌دهد که دل‌عیان دروغین رهبری، راه را بر هرگونه خردورزی بستند و مردم را به قصه‌پردازی، خرافه و افسانه سرگرم کردند. در ایران قبل از انقلاب نیز شاه، خود را سایه خدا و مردم را برده خود می‌دانست و امام خمینی علیه السلام با تبر ابراهیمی، او را درهم شکست و مردم را ولی نعمت خود خواند. در ساخت دینداری هر قدر دلمنه و شعاع کارکرد و حضور خرد و خردورزی، گسترده و وسیع باشد، ظهور خرافه‌ها و افسانه‌پردازی، کم‌رنگ‌تر و بی‌فروغ‌تر می‌شود. شهید مطهری می‌نویسد:

از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پلسداری کرد و آن، منطق و آزادی‌دادن و مواجهه صریح و رک و روشن با افکار مخلف است. (مطهری، 1358: 131 / 24)

بزرگ‌ترین دلیل محبوبیت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، ارزش‌نهادن به مردم و افتخار خدمتگزاری به آنان است. الگوهای ایران اسلامی به یاد دارند که نواب صفوی گفت: «در مملکت اسلامی، من افتخار می‌کنم که مأمور نظافت باشم». اگر الگوهای جامعه، مردم را بزرگ، فهیم و ارزشمند تلقی کنند، خدمت به آنان را افتخار می‌شمارند و مردم نیز به آنان افتخار خواهند کرد. و هیچ عاملی نمی‌تواند بر این رابطه پولادین معنوی لطمه بزند.

4. برخورد قاطع با عوامل مزاحم

برخورد امام علی علیه السلام با عوامل مزاحم نیز از الگوهای مهم زندگی مؤمنان است. ترجیح مصالحت دین بر منافع شخصی، زمینه چنین برخوردی را فراهم می‌کند. یکی از عوامل مزاحم استمرار رابطه الگویی رهبران ایران با مردم، کوتاهی در دفاع از حقوق آنان، به دلیل مصالحت‌اندیشی‌های غیرمعمول است. بهره‌گیری از سیستم نظارتی دقیق و در صورت ضرورت، استفاده از عیون و موضع‌گیری قاطع و سریع در برابر عوامل خلاف و جلوگیری از رفتارهای ناپسند، علاوه بر حفظ سلامت رابطه الگو با مردم، موجب تکاپوی

جامعه در مسیر حق و جلوگیری از لغزش کارگزاران خواهد بود.

به دلیل حساسیت مردم درباره لگوها، نوع سخن، رفتار و موضع‌گیری آنان در برابر خودی و بیگانه و همچنین نوع رفتار نزدیکان و بستگان آنان، بر مردم تأثیر عمیقی خواهد داشت. پس باید با حساسیت، امور مزاحم را از میان بردارند، از همه امور مراقبت کنند و زمینه‌های سوءاستفاده دیگران را با قاطعیت و صراحت دفع کنند.

در جمهوری اسلامی ایران، امام راحل مدت‌الله، با سرعت و قاطعیت، هر عامل مزاحمی را از سر راه برداشت. مقام معظم رهبری نیز پیوسته صلابت، شکوه و کرمت ملت را بر همه امور برتری داده است و این خطمشی همه الگوهای ارزشمند جامعه است که مسیر عبودیت را برای مردم هموار، و برای عزت و کرمت آنان، تلاش کنند.

نتیجه

تربیت الگویی مورد تأکید قرآن، روایات و دانش روز است. در جمهوری اسلامی، نقش الگویی رهبران از جایگاه بلند و برجسته‌ای برخوردار است. ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی رهبران مردم ایران، موجب تقویت انگیزه زندگی مقتصدانه مردم و منشأ خیرات و برکات فراوانی برای همگان است. اختلاف سلیقه در بین همه افراد از جمله لگوها، اجتناب‌ناپذیر است، ولی مردم نباید با رفتارها و گفتارهای ضد و نقیض لگوها سردرگم شوند. الگوهای جامعه، زیر نگاه دقیق دوست و نگاه کینه‌توزانه دشمن قرار دارند. از این رو، باید بیش از همه از خود مراقبت کنند و اجازه ندهند افرادی در حوزه مسئولیت آنان نفوذ و روابط آنان را با مردم تیره کنند. لگوها هرگز نمی‌توانند با عوام‌فریبی و طرح مسائل خرافی، در قلب مردم نفوذ کنند. پس باید شرایط زمان را خوب بشناسند و از پیاده‌نظام دشمن در جامعه و درون خویش غافل نشوند. لگوهای ایران اسلامی، سرمایه معنوی کشور و جهان هستند و بیش از همه در معرض هجوم دشمن قرار دارند. پس باید قدر این منزلت را بشناسند و با ارتباط مستمر با مردم و ارج نهادن به آنان و برداشتن عوامل مزاحم، نقش هدایتی خویش را ایفا کنند.

منابع و مأخذ

1. **قرآن کریم**، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
2. آیتی، عبدالمحمد، 1376، **ترجمه صحیفه سجادیه**، تهران، سروش.
3. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، 1404، **شرح نهج البلاغه**، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
4. ابن‌طاوس، سیدرضی‌الدین، 1367، **اقبال الاعمال**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
5. اربلی، علی بن عیسی، 1381، **کشف الغمّة فی معرفه الائمه**، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، بیروت، دارالعلم.
6. امام‌خمینی، سیدروح‌الله، 1359، **تفسیر سوره حمد**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
7. _____، 1370، **شرح جنود عقل و جهل**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
8. _____، 1378، **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
9. باقری، خسرو، 1388، **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، تهران، انتشارات مدرسه.
10. تمیمی آمّدی، عبدالواحد بن محمد، 1366، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
11. حر عاملی، محمد بن حسن، 1409 ق، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم، آل‌البیت.
12. دلشاد تهرانی، مصطفی، 1372، **سیره نبوی**، تهران، نشر دریا.
13. دوانی، علی، 1354، **مهدی موعود**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
14. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1412 ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم.
15. زمخشری، محمود، 1407، **الکشاف**، بیروت، دارالکتب العربی.

16. سیدرضی، سیدمحمد بن حسین، بی‌تا، *نهج البلاغه*، قم، دارالهجره.
17. سیوطی، جلال‌الدین، 1425، *تاریخ الخلفاء*، بیروت، مکتبه الشامله.
18. شهیدی، سیدجعفر، 1377، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
19. صفری فروشانی، نعمت‌الله، 1378، *غالیان*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
20. طباطبایی، سیدمحمدحسین، 1374، *المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، قم، اسلامی.
21. طبرسی، احمد بن علی، 1403، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
22. عمید، حسن، 1354، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
23. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی‌تا، *روضه الواعظین*، قم، رضی.
24. قائمی‌مقدم، محمدرضا، 1389، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، *فصلنامه معرفت*، شماره 69.
25. کلاچیان، زهره، 1382، *خاطرات محسن دعاگو*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
26. کلینی، محمد بن یعقوب، 1365، *کلیافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
27. گلی زواره‌ای، غلامرضا، 1379، *فرازهای فروزان*، تهران، نشر حضور.
28. متقی هندی، علاء‌الدین، بی‌تا، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
29. مجلسی، محمدباقر، 1404 ق، *بحار الانوار*، لبنان، مؤسسه وفا.
30. محمدی زی‌شهری، محمد، 1369، *خاطرات سیاسی*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
31. مطهری، مرتضی، 1385، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.

32. معین، محمد، 1375، **فرهنگ معین**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
33. مهدی زاده، حسین، 1385، **الگو شناسی**، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
34. موسوی کاشمیری، سیدمهدی، 1379، **روش‌های تربیت**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
35. مولوی، جلال‌الدین، 1378، **مثنوی معنوی**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی